

روایهایی که می آیند



The Amazing Spider-Man
بار دیگر داستان تبدیل شدن پیتر پارکر دست‌وپاچلفتی و خجالتی به مرد عنکبوتی بازگو شده و این بار به جای توبی مگوار، اندرو گارفیلد نقش اصلی را ایفا کرده است. پدر و مادر پیتر در کودکی او را رها کرده و ناپدید شده‌اند و عمو بن و زن عمو می او را بزرگ کرده‌اند. پیتر از طریق چمدانی که به پدر تعلق داشته به راز ناپدید شدن والدینش و به آزمایشگاه همکار سابق پدرش پی می‌برد و در مواجهه با مارمولکی که روی دیگر این شخصیت است ناچار می‌شود از توانایی‌های پنهانش استفاده کند و به یک قهرمان تبدیل شود. اما استون، ریس آفنز، دنیس لیری، کمپبل اسکات، عرفان خان، مارتین شین و یلی فیلد از دیگر بازیگران این فیلم کامیک بوکی سب‌عده‌ی به کارگردانی مارک وب هستند که استودیو کلمبیا و شرکت مارول با بودجه ۲۱۵ میلیون دلار تهیه کرده‌اند.



خلاف‌کاران، بر حذر باشید! نمی‌توانید از جنگ ابرقهرمان‌های مدرن بگریزید! هیچ شخص دیگری هم که در این تابستان به کار فیلم و سینما پرداخته، از کمین آنها در امان نیست. «انتقام‌جویان مارول» که در چهارم می (۱۵ اردیبهشت) اکران گرفت، سریع‌تر از هر فیلم دیگری در تاریخ توانست به ۳۰۰ میلیون دلار از بازار آمریکا دست یابد و رکورد سریع‌ترین در آمد یک‌میلیارد دلاری در سراسر جهان را نیز کسب کرد. سونی در روز سه‌شنبه (۱۳ تیر) تازه‌ترین نسخه از یکی از دارایی‌های ارجمند دیگر مارول را با عنوان «مرد عنکبوتی حیرت‌انگیز» روانه بازار کرد و در اواخر ماه ژوئیه نیز سومین (واحتمالا آخرین) فیلم نم‌ن کریستوفر نولان را به روی پرده خواهد فرستاد. تابستان ۲۰۱۲ وضع چندان غیرمعمولی ندارد. رونق فعلی ابرقهرمان‌ها از ابتدای این سده شروع شد -«مردان مجهول» برایان سینگر در سال ۲۰۰۰ با به عرصه گذاشت و «مرد عنکبوتی» سم رمی در سال ۲۰۰۲ آمد و این روند بعد از آن بی‌هیچ نشانی از تنزل ادامه یافت. دو سرمنتقد سینمایی نیویورک تایمزای. اُ. اسکات و مائولا دارگیس به تعق در معنای این زائر پرداخته‌اند که ظاهرا رویین‌تن است.

اسکات: ابرقهرمان‌های ما خیلی وقت است که همین دور و برها هستند -سوپرمن و بنمن در دهه ۱۹۳۰ متولد شدند عنکبوتی و بسیاری دیگر از برادران مارولی او بچه‌های دهه ۱۹۶۰ هستند- ولی حالا ظاهرا از همیشه قدرتمندتر شده‌اند. این تا اندازه‌ای نتیجه استراتژی آن شرکت و بازاریابی حسابگرانه است، اما روشن است که این روایت‌های زنجیری دیرسره آدم‌های معمولی دارای موهبت (یا نفرینی) که به آنها توانایی‌های خارق‌العاده‌ای می‌دهد و تهدید دشمنانی شیطانی ارتباط محکمی با تخیل عامه مردم دارد تعدادی از بالستندادترین بازیگران، کارگردان‌هاو نویسندگان دنیای سینما در دهه گذشته تسلیم افسون عامه‌پسند و تمثیلی کتاب‌های کامیک‌شده‌اند. منتقدان هم چنین وضعی داشته‌اند. دارگیس: در یک سطح، افسون کتاب‌های کامیک کاملا واضح است چون علاوه بر جذابیت‌های دیگر، آنها ریشه‌ای عمیق در اسطوره‌های ملی دارند: از جمله اسطوره بهشت آمریکایی (ساموئل داستن سوپرمن)؛ قهرمان وسترن (که از باقی دنیا بریده و به نجات آن می‌شاید) و خود را یافته جذابیت‌ها پنداشتن آمریکایی (اینکه کشوری متفاوت از کشورهای دیگر است چون مأموریت ساختن «دنیایی امن برای دموکراسی» را دارد و به اعتقاد من وودرو ویلسن و مرد آهنی به یک اندازه پیگیر چنین تفکری بوده‌اند). سوپرمن و بنمن که هر دو بچه‌های دوره رکود بزرگ اقتصادی بوده‌اند، در اصل از نوع شخصیت‌های داستان‌های جنایی و کارآگاهی هستند. لازم به ذکر است که در حروف DC در نشریات DC Comics مخفف عبارت Detective Comics (داستان‌های مصور کارآگاهی) بوده و از آن زمان این بلیس بر قامت آن شخصیت‌ها دوخته شده، هرچند اشخاصی که آنها را پوشیده‌اند متناسب با زمانه تغییر کرده‌اند. هر عصری ابرقهرمان‌های خود را دارد که آنها را می‌خواهد، لازم دارد یا مستحق آنهاست.

فیلم‌های کامیک‌بوکی مفرح‌هستند(مگر وقتی خلافتی ثابت شود)، و اغلب تماشای آنها راحت است (مگر وقتی که سرتان را درد می‌آورد). خیلی هم سرراست و بی‌تعارف هستند: یک نفر که لباس یکدست می‌پوشیده است مشمت می‌زند توی صورت یک دیگر بزرگ گرومیا- و به این ترتیب هم روزگارش را نجات می‌دهد، هم دختر مورد علاقه‌اش و هم استودیو را. من بعضی از فیلم‌های کامیک بوکی را خیلی دوست دارم و از بعضی دیگر خوشم نمی‌آید اما به عنوان یک عاشق فیلم از سیستم فعلی پخش که ناگهان چند عنوان محدود را به سالن‌های سینما سرازیر و انتخاب‌هایم را محدود می‌کند، سرخورده شدام. (به گزارش boxoffice.com فیلم «تقلیمجویان» ۴۲۹۹ سالن سینمای آمریکا و کانادا هم‌زمان اکرانش شروع شد؛ رقمی نزدیک به یک‌دهم کل سالن‌های سینمای این کشورها) موفقیت این فیلم‌ها همچنین بر یک منطق غلط بازار مبتنی است که به‌طور کلی برای توجیه بلاک باسترها مورد استفاده قرار می‌گیرد: اینکه این فیلم‌ها پولساز هستند، بنابراین مردم هم از آنها خوش‌شان می‌آید، به مردم از این فیلم خوش‌شان می‌آید، بنابراین فیلم‌ها ساخته‌می‌شوند.

اسکات: با این حال حتما این داستان‌ها جاذبه‌ای دارند که از آشنا بودن شخصیت‌ها و بی‌آمان بودن فعالیت‌های بازاریابی فراتر می‌رود. همان‌طور که گفתי، این فیلم‌ها رشته‌هایی اسطوره‌ای و کهن‌الگویی را به ارعاش درمی‌آوردن و عطشی دائمی برای روایت‌های بزرگ‌مقیاس و قابل فهم در مورد خیر و شر را سیراب می‌کنند. گفته می‌شود هالیوود در زمانی به ابرقهرمان‌ها بیش از حد وابسته شده که دو زائر قهرمانی سنتی آن -وسترن و جنگی- به محلق رفته‌اند چون این دو زائر در این روزگار از لحاظ ایدئولوژیک نامتناسب به نظر می‌رسند. استودیوها به فانتزی، علمی-تخیلی و نوعی از فیلمسازی که هم‌زمان از جنبه فناوری، پیشرفته و از نظر محتوایی، کهنه است، روی آوردند. در آن زمان در کنار «جنگ ستارگان» و ایندیانای جونز، سوپرمن هم به سینما آمد که از سال ۱۹۷۸ کارش را شروع و نقش او را کریستوفر ریو نسبتا ناشناس با چانه‌ای چهار گوش ایفا کرد. چهار فیلم «سوپرمن» با بازی ربو از لحاظ کیفی با هم فرق داشتند ولی من همچنان برای آمیزه رمانتیسیم بی‌غل و غش، اکشن و بز بن بزین سبک و خلبازی‌های بدون خجالت از آنها خوشم می‌آید. مجموعه بنمن که در سال ۱۹۸۹ آغاز شد و در دهه ۱۹۹۰ ادامه پیدا کرد (با به سرعت افول کرد) متکلف‌تر، پیچیده‌تر و خودگاتر بود اما هر دو مجموعه از چنان بازیگوشی برخوردار بودند که مدتی بعد نغذمانده به نظر می‌رسید. برش تمسخرآمیز جوکر از «شوالیه تاریکی» چرا اینقدر جدی؟ - در دهه گذشته بزواک یافت که این فیلم‌ها جنبه‌های کم‌دی‌اندکی از کتاب‌های کامیک اخذ کردند. فیلم‌ها به جای آن تا حد

فیلم‌های کامیک بوکی معاصر و «مرد عنکبوتی حیرت‌انگیز» در گفت‌وگوی دو منتقد

اُبر رویاهای نظم جابه‌جاشده جهانی

مائولا دارگیس/ ای. اُ. اسکات

ترجمه: پریا لطیفی‌خواه



مرد عنکبوت حیرت‌انگیز

زیادی خشمگین، مضطرب و درگیر اندیشه انتقام بودند. شاید این مساله شرایط جهان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را بازتاب می‌دهد. مسلمان‌فیلم‌های ابرقهرمانی امروز مثل فیلم‌های گنگستری دوران حال-باید بگویم که هم‌مونی ابرقهرمان‌ها باعث ناخوابی روزافزونی برای من شده است و به نظر من رونق تجاری آنها، با معدود موارد استثنایی، باعث کاهش بار خلاقیت آنها شده است.

دارگیس: یک زمان فیلم‌ها را هم مایه آشوب می‌دانستند و برای اخلاقیات و سلامت روان کودکان (حساس) و زنان (ضعیف) بد می‌دانستند. کتاب‌های کامیک هم درست مثل فیلم‌ها چرخه‌ای طرفدار یافتن، تقبیح شدن و مجاز شمرده شدن را از سر گذرانده‌اند که حکایت از تغییرات بزرگ‌تر در فرهنگ عامه و توده مردم دارد. پیام دیکامیک ورتهام یکی از مظاهر رویارویی فرهنگ والا و فرهنگ عامه است، موضوعی که در رشته مقالات ادموند ویلسن که از سال ۱۹۴۴ نوشته و در نیویورک منتشر شده نیز بازتاب یافته است. نخستین این مقاله عنوانش «چرا مردم داستان‌های کارآگاهی می‌خوانند؟» بود. توجه او معطوف به این زائر عامه‌پسند شده بود که آن ائتلاف وقت توصیف می‌کرد اما جالب آنکه خودش هم آن را مطالعه می‌کرد. ویلسن نوشته بود: «دوستان، ما در اقلیت قرار داریم اما ادبیات در جانب ما است. نیازی نیست که خودمان را با این آشغال‌ها خسته کنیم» به هر حال جمله دوم ویلسن تا اندازه زیادی خلاصه همان نظری است که من در مورد «تقلیم‌جویان» دارم، فیلمی که به نظر من به شکل قابل‌گیری کسالت‌آور است.

اسکات: یک وقت این را به ساموئل ال جکسن نگویی! اما آن نوع تخیلته تحقیرآمیز که ویلسن اقدام به آن کرد و هراس فرهنگی بیان شده توسط ورتهام، این روزها هیچ پایه و اساسی ندارد. منتقدی که درباره فیلمی کامیک بوکی -یا هر سرگرمی پرخرج و بزرگ مقیاسی که پسرچمه‌ها راه‌ف قرار می‌دهد- اظهار بدبینی کند، احتمالا این اظهاراتش از سر افاندفروشی و خودستایی تلقی می‌شود و متهم می‌شود به اینکه برای قمعیز در کردن به معیارهایی بی‌ربط جسیجیده است و سعی می‌کند تفریح دیگران را خراب کند. آنچه طرفداران پر و پاقرص و مدافع کتاب‌های معاصر نمی‌خواهند یا نمی‌توانند بپذیرند این است که پیشاپیش در این مجادله برنده شده‌اند. حالا دیگر این زائر بسیار فراتر از یک زائر کهنیا و سطح پایین است که گروهی از یاقیان فرهنگی مدافع آن باشند و این نمایش بر زرق و برق ابرقهرمانی مورد توجه قدرت‌های تجاری و اقتصادی قرار گرفته است. ایدئولوژی حامی این قدرت، نوع آشنایی از پوپولیسم رایاکالره است: اینکه استودیوها فقط آنچه مردم می‌خواهند را در اختیارشان می‌گذارند! دلیل این تحقیر را هم می‌توان در آمارهای فروش پیدا کرد:فروش‌های میلیارد دلاری! چه کسی می‌تواند علیه آن استدلالی بیابورد؟

دارگیس: یک مشکل این است که منتقدانی نظیر ویلسن تربیون‌هایی که قیلا داشته‌اند را دیگر ندارند. البته که صداهای مخالف هنوز هم وجود دارند، اما در بافتار رسانه‌ای معاصر به سختی ممکن است صدایشان شنیده شود؛ چون در این زمانه پر و پاقرص و مدافع کتاب‌های معاصر نمی‌خواهند یا نمی‌توانند بپذیرند این است که پیشاپیش در این مجادله برنده شده‌اند. حالا دیگر این زائر بسیار فراتر از یک زائر کهنیا و سطح پایین است که گروهی از یاقیان فرهنگی مدافع آن باشند و این نمایش بر زرق و برق ابرقهرمانی مورد توجه قدرت‌های تجاری و اقتصادی قرار گرفته است. ایدئولوژی حامی این قدرت، نوع آشنایی از پوپولیسم رایاکالره است: اینکه استودیوها فقط آنچه مردم می‌خواهند را در اختیارشان می‌گذارند! دلیل این تحقیر را هم می‌توان در آمارهای فروش پیدا کرد:فروش‌های میلیارد دلاری! چه کسی می‌تواند علیه آن استدلالی بیابورد؟



تازه چه خبر دکتر جون؟

کوارت داستین هافمن



نگهبانان کهکشان و قهرمان بزرگ ۶

شرکت مارول که در ادامه پول پارو کردن‌های آثار ابرقهرمانی، ماه گذشته با «انتقام‌جویان» مزه شیرین فروش یک‌میلیارددلاری را چشیده و این هفته «مردعنکبوتی حیرت‌انگیز» را روانه پرده نقره‌ای کرده است، از برنامه خود برای سال ۲۰۱۴ پرده برداشت. بعد از ماه‌ها گمانه‌زنی در مورد اینکه مارول چه طرحی برای آینده دارد، هفته گذشته چند سایت خبری اعلام کردند که فیلم پرماجرای «گنهبانان کهکشان» که مجموعه‌ای از ابرقهرمان‌های کتاب‌های مصور مارول در آن حضور دارند، اولین فیلمی است که آن شرکت برای سال ۲۰۱۴ تدارک دیده است. هم‌زمان انترتینمنت ویکلی نیز گزارش داد که پروژه مشترک انیمیشن دیزنی و مارول با عنوان «قهرمان بزرگ ۶» دومین اثر سینمایی است که این شرکت در آن سال تهیه و عرضه خواهد کرد. در این فیلم نیز تعدادی از ابرقهرمان‌ها حضور دارند که این بار ظاهر آنها ژاپنی است و اولین بار در مجموعه «سان فابسر و قهرمان بزرگ ۶» انتشارات مارول در سال ۱۹۹۸ ظاهر شده‌اند.

سرت پرنندگان مصنوعی



رز بیرسن به جمع بازیگران «کارورزی» پیوست. به گزارش انترتینمنت ویکلی، این کم‌دی تازه را شاون لوی، سازنده «شبی در موزه»، «پلنگ صورتی» و «فولاد واقعی» کارگردانی می‌کند و اکنون در مرحله پیش تولید قرار دارد. خانم بیرن، بازیگر با استعدادی که بعد از تجربه اندوختن در زائرهای گوناگون، از جمله فیلم‌های ترسناکی مثل «۲۸ هفته بعد» و «مودی» و علمی-تخیلی‌هایی مانند «آفتاب» بالاخره با فیلم کم‌دی «ساقدوش‌های عروس» توانست اسم و رسمی به هم بزند، بار دیگر در «کارورزی» بخت خود را در کم‌دی خواهد آزمود. پیش از این حضور بازیگران دیگری مانند لوون ویلسن، وینس وان و مکس مینگلا در این فیلم قطعی شده بود. در فیلمنامه «کارورزی» که وینس وان بازیگر آن را نوشته است، افراد چهل و چند ساله مجبور می‌شوند زیردست افراد ۲۰ ساله کار کنند و تازه باید از آنها کار یاد بگیرند.